

راش‌هایی برای فروش

چرا سازمان سینمایی هنوز تصمیمی درباره تدوینگر «عنکبوت مقدس» نگرفته است؟

امید رحمانی
 سکانس خروج حاج کاظم از آژانس مسافرتی در گروه فرهنگ و هنر

بیاورید که عباس را روی دوشش حمل می‌کند تا او را به بالگرد تدارک‌دیده‌شده برساند. همه تعلیق و التهاب آن گروگانگیری اینجا به اوج خود می‌رسد و این لحظه است که می‌خواهیم نتیجه اقدام جسورانه و هنجارشکنی حاج کاظم را ببینیم و این‌که نیت خیر او برای اعزام رفیق و هم‌زمش عباس و مداوایش در خارج از کشور، عملی می‌شود یا نه؟ آن چیزی که روایت ابراهیم حاتمی‌کیا و بازی بازیگران و تلاش گروه فیلمسازی رادر راستای جهان فیلم تقویت می‌کند و به آن غنا می‌بخشد، هنر تدوینگر است و همه آن کات‌های متعدد و رفت و برگشت‌های مدام به شخصیت‌ها و تقابل سلحشور و احمد کوهی بر سر حاج کاظم و عباس، چنان فضایی را ترسیم می‌کند که تاثیرگذاری و نفسگیری موقعیت را به بالاترین حد خود می‌رساند. سکانس مشهور «درباره الی» هم موفقیت، محبوبیت و ماندگاری‌اش را مدیون و وامدار یک تدوین استاندارد است و آن ۱۵ کات و پرش‌های تصویری الی، موقع هوا کردن بادکنک در ساحل در تقابل با حذف و غیبت او، مرز هستی و نیستی را نمایندگی می‌کند و باعث حک کامل خاطره‌الی در ذهن مخاطب می‌شود. همین‌دو مثال از هنر تدوین‌هایده صفی‌یاری و البته اشاره به فیلم‌هایی چون رویان قرمز، جدایی نادر از سیمین، موج مرده، ارتفاع پست، چهارشنبه‌سوری، دایره زنگی، بوسیدن روی ماه، ازدها وارد می‌شود، فروشنده، مسخره‌باز، قهرمان و ... تاسف‌ما را از همکاری او با فیلم‌موهن وضد ملی و ضد دینی «عنکبوت مقدس» بیشتر می‌کند. چرا باید تدوینگری در جایگاه او نام و اعتبارش را این‌گونه به حراج بگذارد و حاضر شود با فیلمی سطحی و نازل که قطعاً جایگاهی در سینمای ایران و جهان ندارد، همکاری کند؟ تدوین این فیلم و سرهم کردن راش Rush (تصاویر خام و تدوین نشده) چه دستاورد فنی برای صفی‌یاری دارد و چقدر حضور او توانسته به ارتقای یک کیفیت نازل کمک کند؟ آیا صفی‌یاری چنین فیلم توهین‌آمیز به دین و مذهب و اعتقادات مردم کشور و بسیاری دیگر در جهان را تایید می‌کند که حاضر به این هنجارشکنی و قانون شکنی شده است؟

می‌گویند فیلم‌ها دوباره در اتاق تدوین ساخته می‌شوند. اگر این جمله را باور داشته باشیم، خطای صفی‌یاری برجسته‌تر هم می‌شود، چون حالا نتیجه و خروجی عنکبوت مقدس به‌وضوح مملو از بی‌احترامی و توهین به باورهاست و آن تصویر توهین‌آمیزی که بارگاه امام هشتم را طود دیگری جلوه می‌دهد، مستقیم از تدوین می‌آید و شیطنتی نابخشودنی است. نکته جالب این‌که در یک پنهانکاری عجیب در صفحه ویکی‌پدیای فارسی صفی‌یاری، اسمی از عنکبوت مقدس نمی‌بینیم اما در صفحه ویکی‌پدیای فارسی و انگلیسی عنکبوت مقدس و سایت IMDb اسم صفی‌یاری در کنار الیو یا نیکارد هولم به‌عنوان تدوینگر فیلم دیده می‌شود.

فارغ از آن بحث تاسف و حسرت برای سینماگر کاربلدی چون صفی‌یاری که با آن کارنامه قابل اعتنا و فیلم‌های خوب به هر دلیلی تن به همکاری با پروژه‌ای ضد ملی و ضد دینی داده، موضوع مهم انتظار برخورد جدی و متناسب با او از سوی سازمان سینمایی و خانه سینما به عنوان نهادهای متولی و مرتبط با زمینه فعالیت این تدوینگر است. صفی‌یاری و هرسینماگر دیگری که با هیچ انگاشتن قانون، با آثاری موهن و ضدایرانی همکاری می‌کنند، باید هزینه این حرکت را در مسیر اشتباه بپردازند. در این زمینه همچنان منتظر پایان انفغال سازمان سینمایی و وزارت ارشاد و برخورد قاطع و اقدامات اجرایی آنها با سینماگران متخلفی هستیم که بی‌اعتنا به قانون، داخل با پروژه‌های ضدایرانی همکاری می‌کنند، برخوردی بدون ملاحظه و مماشات و فارغ از نام و اعتبار افراد.

سینما تک خانه هنرمندان، یکی از مراکزی است که با نمایش و نقد آثار سینمای روز جهان، سعی در ارتقای بینش هنری هنرمندان جوان دارد. پانصد و شانزدهمین برنامه سینما تک خانه هنرمندان ایران به نمایش فیلم «اقتباس» اختصاص دارد. روابط عمومی خانه هنرمندان ایران، در خبری اعلام کرده‌است: هفتمین جلسه مرور فیلم‌های مریل استریپ، بازیگر آمریکایی در سینما تک خانه هنرمندان ایران که روز

«اقتباس» در خانه هنرمندان ایران

دوشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۱ ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه در سالن استاد ناصری برگزار می‌شود، به نمایش فیلم سینمایی اقتباس، به کارگردانی اسپایک جونز. محصول سال ۲۰۰۲ اختصاصی دارد. پس از نمایش فیلم، نشست نقد و بررسی با حضور نوید پورمحمد رضا برگزار می‌شود. این فیلم از صحنه‌هایی از فیلمبرداری فیلم «جان مالکویچ بودن» شروع می‌شود که در آن چارلی کافمن افسرده مهلت کمی برای تحویل

گفت‌وگو

فیلمنامه اقتباسی «دزد اکریده» به شرکت کلمبیا پیکچرز دارد. در مقابل چارلی افسرده، دونالد برادر دوقلوی سرزنده او در نظر دارد به تاسی از چارلی شروع به نوشتن فیلمنامه کند. نیکلاس کیچ، مریل استریپ، کریس کوپر، سارا سیمور ... در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند. این فیلم دوشنبه ۲۴ مرداد ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه در سینما تک خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید.

گفت‌وگوی «جام جم» با حسین مرادی‌زاده، کارگردان پویانمایی موفق «گیلگمش»

انیمیشن‌های ایرانی، در کشور خوب دیده نمی‌شوند



«گیلگمش» پهلوان نامدار اوروک شهری از سرزمین سومر است، عمری در جست‌وجوی جاودانگی می‌گوشد و بارها شکست می‌خورد اما سرانجام به گیاهی دست می‌یابد که او را جاودانه خواهد کرد. این بخشی از قدیمی‌ترین داستان کشف‌شده جهان و به‌عبارتی اولین اثر حماسی ادبیات دوران تمدن باستان است که حسین مرادی‌زاده، طراح، نقاش و کارگردان انیمیشن آن را دستمایه ساخت یک فیلم ۱۰ دقیقه‌ای ساخته است. فیلمی که سفری بلند به فستیوال‌های جهانی را آغاز و اخیرا نیز جایزه «اسطوره‌شناسی، جشنواره کالجرب سینما» را دریافت کرده است. مرادی‌زاده پیش از این نیز انیمیشن‌های بسیاری را با اقتباس از آثار حماسی و ادبی ساخته که در گفت‌وگوی پیش‌رو درباره آنها و به‌ویژه پویانمایی «گیلگمش» بیشتر توضیح داده و در ادامه به معضلاتی اشاره کرده که ساخت انیمیشن در ایران با آن مواجه است.



سیناکرمی گروه فرهنگ و هنر

گیلگمش داستان عجیبی دارد. این داستان اسطوره‌ای درباره پادشاه شهر اوروک است که به مردم ظلم می‌کند و مردم نسبت به او معترض می‌شوند. خدایان، «انکیدو» که موجودی نیمه‌انسان و نیمه‌حیوان است را می‌فرستند تا او نبرد کند. در حین نبرد، این دو با هم دوست می‌شوند و سفرهای اسطوره‌ای آنها موجب غضب خدایان می‌شود و حکم مرگ انکیدو را می‌دهند و اینجاست که گیلگمش با مرگ روبه‌رو می‌شود و به نظر من این مهم‌ترین نکته داستان است و او باقی زندگیش را صرف جاودانگی می‌کند؛ درواقع این سفری در جست‌وجوی جاودانگی است که اساس بسیاری از داستان‌ها هم بوده است.

اقتباس‌های تاریخی و ادبی همیشه در سینما و تئاتر جذابیت داشته؛ با توجه به این‌که اقتباس‌های حماسی، سینما را متحمل هزینه‌های سنگین می‌کند چقدر این ظرفیت در انیمیشن قابل بهره‌برداری است؟

انیمیشن پتانسیل‌های قابل‌توجهی برای اقتباس دارد و اتفاقاً آثاری هم با این رویکرد ساخته شده؛ هرچند کم یا ناقص که البته به همین تعداد هم نمی‌توان بسنده کرد. اقتباس‌هایی که از متون کهن صورت گرفته به سال‌های خیلی دور برمی‌گردد و در طول تاریخ هم مداومت داشته است. اتفاقاً اگر تاریخ سینما را بررسی کنید شماری از این نوع تولیدات را خواهید یافت. از فیلم «فردوسی» عبدالحسین سپنتا تا «سیاوش در تخت جمشید» فریدون رهنما و همین‌طور که جلوتر می‌آییم همچنان این اقتباس

گیلگمش، قدیمی‌ترین داستان حماسی جهان گیلگمش، نخستین داستان حماسه‌ای دنیاست که روی لوح‌های گلی نوشته شده و مربوط به ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است. باستان‌شناسان ابتدا فکر می‌کردند این الواح متعلق به دوران آشوریان است اما با کشفیات و تحقیقاتی که صورت گرفت قدمتش به دوره سومری‌ها رسید. گیلگمش درواقع یک داستان حماسی است که به تمدن بین‌النهرین یا میان‌رودان بازمی‌گردد اما نکته مهم این لوح‌ها این است که بسیاری از پیش‌داستان‌ها را در آنها می‌بینیم. به‌طوری‌که گیلگمش شامل ۱۲ لوح گلی است که هر یک داستانی پشت‌سرهم را دنبال می‌کند.

وجود دارد اما شاید یکی از معضلات اصلی‌که سینما برای تولیدات اقتباسی با آن مواجه است دقیقاً آن چیزی است که فیلم‌های با تولید غلیم (بیگ‌پروداکشن) به آن نیاز دارند و به نظر من انیمیشن خیلی بهتر می‌توان آن را انجام داد. کارهایی انجام شده اما همان‌طور که گفتم کافی نیست. آثار من هم به نوعی این اقتباس را ارجاع می‌دهد. به‌طورمثال عقل‌سرخ یا گیلگمش متون پیچیده‌ای دارند اما مخاطب را به نحوی به نسخه اصلی ارجاع می‌دهند که اگر دوست داشته باشید می‌تواند سراغش برود و آن را بخواند. درواقع این آثار ارجاع‌تصویری به متن اصلی است؛ متونی که آن‌قدر ارزشمند و غنی است که توانسته ۵۰۰۰ سال باقی بماند.

به نظرتان این نوع انیمیشن‌ها چقدر می‌تواند بچه‌ها را با فرهنگ کهن و داستان‌های اسطوره‌ای آشنا کند؟

خیلی زیاد. فیلم من ارجاعی به همین داستان‌های کهن است. به نظر من این‌که دوباره برگردیم و این کتاب‌ها را مرور کنیم خودش اتفاقی است که من را به سمت ساخت چنین چیزی می‌کشاند. ما باید از این منابع استفاده کنیم. منابعی که از نظر ادبی بسیار غنی و از نظر تصویری به قدری ارزشمند است که شما را به آثار کشف‌شده و نقش‌های روی سنگ‌ها هدایت می‌کند.

برویم سراغ جشنواره کالجرب هند که گیلگمش اولین جایزه‌اش را از آن دریافت کرده‌است.

البته این اولین حضور بین‌المللی گیلگمش نیست، بلکه اولین جایزه بین‌المللی را از این فستیوال دریافت کرده‌است. اولین حضورش در جشنواره One Earth Awards Film Festival بود که در هند برگزار شد و پس از آن در جشنواره بین‌المللی فیلم Ceylon در آمریکا حضور داشت و دومین نمایشش را هم آنجا

تجربه کرد و سومین حضورش در جشنواره‌ای در بنگلادش بود و سپس در جشنواره فیلم «کالجرب‌سینما» توانست جایزه بهترین فیلم را از بخش «اسطوره‌شناسی» دریافت کند که این جایزه برای خودم بسیار جذاب بود. پاییز امسال نیز در یک جشنواره باستان‌شناسی در ایتالیا شرکت خواهد داشت و پس از آن هم در فستیوالی که در آرژانتین برگزار می‌شود به نمایش درمی‌آید.

واکنش فستیوال‌های جهانی به انیمیشن ایرانی چطور است و عموماً تولیدات ایرانی چه بازخوردی از حضور در این رویدادها می‌گیرند؟

با این‌که انیمیشن در ایران مشکلات زیادی دارد اما دوستان کار می‌کنند و فیلم‌های خوبی هم ساخته می‌شود و برای فستیوال‌ها تعجب‌برانگیز است چقدر از ایران فیلم می‌رسد که هم متفاوت هستند و هم حرفی برای گفتن دارند.

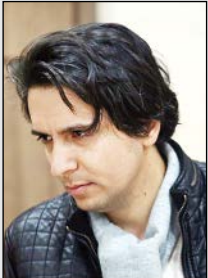
اما مسأله اصلی این است که به نظر ما چندان به روز نیستیم و این مسأله کاملاً در فستیوال‌ها دیده می‌شود. البته منظورم به‌رویز بودن از منظر تکنولوژی و تکنیک نیست بلکه در نحوه و نوع بیان. در فستیوال‌ها نوع دیگری از آثار دیده می‌شود که ما با رویکرد جدید آنها فاصله داریم و شاید یکی از دلایلی که کمتر در این فضا موفق هستیم به دلیل همین فاصله در نحوه ارائه و بیان موضوع است. به‌هرحال در ایران هم دانشگاه هست و پایان‌نامه‌های بسیاری کار می‌شوند و هم مراکز خوبی داریم که قدیمی‌ترین و مهم‌ترین آن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است و پس از آن مرکز گسترش نیز فیلم‌های کوتاه انیمیشن خوبی تولید می‌کند اما فیلم‌ها آن طرف بیشتر دیده می‌شود تا داخل ایران و این خودش یک مسأله است. به نظر من آنجایی که باید فیلم دیده شود آن قدری نمایش ندارد درحالی‌که خارج از کشور هم انعکاسی خوبی دارد و هم مورد توجه قرار می‌گیرد و این مایه تاسف است.

برای پروژه بعدی تصمیم گرفتید سراغ چه داستانی بروید؟ راستش یک مقدار فضای ساخت فراهم نیست. تولید فیلم انیمیشن دو سال زمان می‌برد؛ یعنی دوسال کار برای ۱۰ دقیقه و طبیعتاً در این دوسال وضعیت اقتصادی و قراردادها تغییر می‌کند و همین مسأله باعث می‌شود گروه‌ها نتوانند خوب کار کنند یا کلاً از انجام آن صرف‌نظر کنند تا شرایط ثبات یابد. متأسفانه راهی برای دیده‌شدن در داخل کشور وجود ندارد. ما فیلم می‌سازیم که به نمایش درآید؛ درست است که از این آثار در خارج از کشور استقبال می‌شود و جایزه هم می‌گیرند اما طبیعتاً هرکسی علاقه‌مند است این فیلم‌ها در کشور خودش هم نمایش داده شود.

خالقی منش و ساخت مستندی با موضوع کارتن خواب‌ها

میلاد خالقی منش از ساخت مستند «دورافتاده‌ها» با موضوع کارتن خواب‌های معتاد خیرداد.

وی گفت: مدتی است به خاطر حجم زیاد معتادان کارتن خواب در شهر و البته در کشور، بندهایی با نام ماده ۱۶ تعبیه شده که این گروه از معتادان کارتن خواب بعد از این‌که از سطح شهر جمع شدند، به آنجا انتقال داده می‌شوند. در واقع می‌توان گفت معتادان متجاهر کارتن خواب که توسط نیروی انتظامی دستگیر شده‌اند، به این بندها انتقال داده می‌شوند و پس از این که طی شش ماه مواد را ترک کردند، آزاد می‌شوند. این مستندساز با اشاره به این‌که موضوع فیلم او درباره چند نفر از این افراد در بندهای مورد نظر است، در ارتباط با بررسی زندگی این افراد در این بندها و این‌که آیا این طرح برای آنها فایده‌ای دارد یا خیر، توضیح داد؛ در واقع می‌توان گفت، دوربین من همراه این چهار جوانی است که در این بندها زندگی می‌کنند و همراه با مهارت‌آموزی، دوران شش ماه را می‌گذرانند. / مهر



مهر

فیلم یوسف حاتمی‌کیا کی اکران می‌شود؟

فیلم سینمایی «شب طلایی» به کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا با چند روز تاخیر از چهارشنبه این هفته اکران می‌شود.

علی سرتیپی، مدیر دفتر پخش فیلمیران درباره تغییر برنامه اکران فیلم شب طلایی که پیشتر اعلام شده بود پس از پایان تعطیلی سینماها یعنی از پنجشنبه ۲۰ مرداد روی برده می‌رود، گفت: با توجه به مهیا نشدن شرایط لازم برای اکران از جمله تهیه مواد تبلیغاتی، این فیلم چهارشنبه (۲۶ مرداد) اکران خواهد شد.

شب طلایی که در جشنواره فجر سال قبل رونمایی شد، به کارگردانی یوسف حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی ابراهیم حاتمی‌کیا ابتدا با نام «شمش طلا» تولید شد و بعد تغییر نام داد. در این فیلم که نویسنده‌ی آن هم برعهده حاتمی‌کیای پسر بوده مریم سعادت، حسن معجونی، یکتاناصر، بهناز جعفری، مسعود کرامتی، سوگل خلیق و سینا رازانی از جمله بازیگران هستند.

این فیلم به موضوع روابط پیچیده درون یک خانواده می‌پردازد که در دوران کرونا و در شب تولد مادر بزرگ در یک خانه قدیمی با بحرانی جدی مواجه می‌شوند. / ایسنا



چشم دل بازیکن که جان بینی

بازی در نقش شخصیت‌هایی با نقصان جسمی یا اختلات روحی و روانی، باوجود چالشی که دارد، فرصت کم‌نظیری برای درخشش بازیگران کاربلد است. مثل موقعیتی که در فیلم «بید مجنون» مجید مجیدی نصب پرویز پرستویی شد. بید مجنون پر از حکمت و شاعرانگی و حرف‌های خوب است اما یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین دیالوگ‌های فیلم را از زبان مرتضی (رضاناجی)، جانبازی در آستانه نابینایی می‌شنویم، آن هم در قالب نامه‌ای که برای یوسف نوشته؛ «از وقتی که تمرین کردم بنیمن، خیلی چیزهای جدید دیدم. چیزهایی که تکراری نیستند.»